

تبیین جایگاه ماده در مراتب ادراکی فضاهای مساجد عصر صفویه، مبتنی بر آرای ملاصدرا، مطالعه موردی: مسجد شیخ لطف الله*

مهدی بنی‌اسدی باغمیرانی^۱ - سید بهشید حسینی^{۲*} - آزاده شاهچراغی^۳

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. دانشیار گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

چکیده

ادراک معنا در معماری عصر صفوی، نیازمند بررسی تفکرات فلاسفه شیعی آن دوره است، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نظریه حرکت جوهری است. در دید فلاسفه اسلامی، حقیقت ادراک در محدود مرتبه مادی خلاصه نمی‌شود؛ اما ماده با تکیه بر نظریه حرکت جوهری می‌تواند امکان درک معانی را، در مراتب مختلف فراهم سازد. مساجد صفوی، مجالی این تفکر در معماری هستند. مراتب ادراک در مساجد صفوی از جمله مسجد شیخ لطف‌الله، متکی بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، تأکید بر حرکت ادراک از هست ماده به نیست ماده دارد، که زمینه طی کردن مراتب ادراکی از ظاهر به باطن را فراهم می‌سازد. از این رو پژوهش حاضر بین‌رشته‌ای، کیفی و موردپژوهی است. در بخش "مبانی نظری" با بررسی جایگاه ماده در مباحث معرفتی ملاصدرا و ارتباطش با اصل حرکت، سه رکن در مراتب ادراکی مساجد صفوی تبیین شده است؛ سپس در مسجد شیخ لطف‌الله نوع ادراک (با توجه به مراتب ادراکی ملاصدرا) در هر رکن مورد بررسی قرار گرفته، تا بر اساس هدف اصلی این پژوهش، جایگاه ماده و کالبد در ادراک مساجد عصر صفوی روشن شود. با عنایت به اصل حرکت از ماده به معنا، پرسش کلیدی این است که، ماده در هر یک از مراتب ادراکی مساجد صفوی چه جایگاهی دارد؟ و نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، چگونه در مراتب ادراکی مساجد صفوی نمود دارد؟ نتایج نشان می‌دهد که با توجه به جایگاه ماده در ادراک، درک معنا در مساجد عصر صفویه و ویژه مسجد شیخ لطف‌الله شامل سه رکن سکون، حرکت و وحدت است، که با مراتب ادراکی ملاصدرا هم‌خوانی دارد. در رکن سکون و پایین‌ترین مرتبه ادراکی (به دلیل عجیب بودن با ماده)، ادراکات به امور حسی محدود می‌شود؛ اما در رکن حرکت، به واسطه قوه خیال، امکان برداشت معنوی از امور مادی فراهم می‌شود؛ و نهایتاً در رکن وحدت، با وجود نور و شفافیت فضا، ناظر با حقیقت فضا یکی شده و شامل ادراکات عقلی می‌شود.

واژگان کلیدی: ماده، مراتب ادراکی، حرکت جوهری، معماری مسجد، ملاصدرا.

* این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری نویسنده اول با عنوان «مقام ناساخته‌ها در معماری ایران و ارتباط این فضاها با مفهوم وحدت» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه علوم و تحقیقات است که در حال انجام می‌باشد.

** E-mail: behshid_hosseini@art.ac.ir

۱. مقدمه

معماری عصر صفوی، به واسطه رسوخ عمیق بنیان‌های فلسفی در آن، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران از جمله استیرلن و کربن بوده است. عصر صفوی دوره اوج گرفتن تفکر شیعی، و هم‌چنین به بارنشستن اندیشه فلاسفه‌ای مانند ملاصدرا است. از آن‌جا که معماری عامل تعیین‌اندیشه‌های هر عصر در جهان مادی است (Parvizi and Poormandeh 2012)، لذا مساجد عصر صفوی را می‌توان بهترین محمل برای وصول اندیشه‌های فلاسفه شیعی این دوره، از جمله ملاصدرا دانست.

تبیین مراتب ادراکی در مساجد عصر صفوی، مستلزم تشریح جایگاه ماده و معنا در ادراک فضا است. در هر عصری با ساختن مساجد و بناهای مذهبی، امکان تعالی روح انسانی در جامعه، و هدایت ادراکات افراد به سمت درک معنوی و کاستن از جنبه‌های مادی ادراک، فراهم می‌شود (Alborzi et al. 2020). ادراک و معرفت در فضاهای معماری شامل تعاریف متفاوتی است؛ بعضی از جمله چالز موریس^۱ ادراک در فضاهای معماری را حاصل معنای ارجاعی (معانی که به مصادیق خارجی ارجاع دارد)، و معنای ارزشی (معانی مبتنی بر ارزش‌های باطنی هر فرد) (Morris 1971)، می‌داند؛ امبرتو اکو^۲ در تعریفی نزدیک به چالز موریس این دو ادراک را با عنوان درک صریح و ضمنی می‌شناسد (Eco 1968). اما رولان بارت^۳ در منظری متفاوت از چارلز موریس و امبرتو اکو، سه سطح اصلی برای ادراک تعریف می‌کند: در ابتدا ادراک تکیه بر عوامل ظاهری و مادی دارد؛ سپس ادراک معانی مستتر و باطنی را در برمی‌گیرد؛ اما در نهایت، ادراک معانی با گذر زمان، برای افراد تغییر ماهیت پیدا می‌کند (Barthes 1982). به نظر می‌رسد بتوان با احتیاط گفت که دیدگاه معرفتی رولان بارت، قدری با آرای معرفتی ملاصدرای شیرازی نزدیکی و قرابت دارد؛ ویژه سطح سوم از دیدگاه معرفتی وی، که عنصر زمان (که دلالت به مفهوم حرکت دارد) را در ادراک دخیل می‌کند.

بر اساس تفکرات شیعی عصر صفوی و ملاصدرا (ویژه نظریه حرکت جوهری و مراتب ادراکی)، درک فضاهای معماری معطوف به حرکت از ماده به معنا (یا همان سیر از ظاهر به باطن) است (Tabassi and Fazelnasab 2012; Nattaj 2014). ملاصدرا وجود هر کالبدی را ناشی از ماده و ادراک آن کالبد می‌داند، این موضوعی است که متاسفانه در معماری امروز نادیده گرفته شده است (Raeeszadeh 2004, 56). آن‌چه در ادراک معماری کنونی مورد توجه است، مربوط به جنبه‌های عملکردی است، اما همین جنبه‌های عملکردی درست نقش خود را ایفا نکرده است، زیرا که عملکرد فقط در امر مادی خلاصه نمی‌شود؛ اساساً ادراک ناشی از ساحت معنوی انسان است، و ساحت معنوی در معماری مربوط به فضا است.

ضرورت انجام این پژوهش زمانی روشن می‌شود، که

متوجه تأثیرات اندیشه‌های فلسفی هر عصر، بر معماری آن عصر باشیم. بازشناسی این تأثیرات می‌تواند ادراک حقیقی از فضاهای معماری راه، برای مخاطب آسان‌تر کند. بر این اساس در این نوشتار، هدف نگارندگان آنست که، از طریق تبیین جایگاه ماده در مباحث معرفتی ملاصدرا، تقابل ماده و معنا را در مراتب مختلف ادراکی مساجد عصر صفوی تشریح کنند.

سئوالات این پژوهش: ۱. با عنایت به اصل حرکت، ماده در هر یک از مراتب ادراکی مساجد صفوی چه جایگاهی دارد؟ ۲. نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، چگونه در مراتب ادراکی مساجد عصر صفوی نمود دارد؟

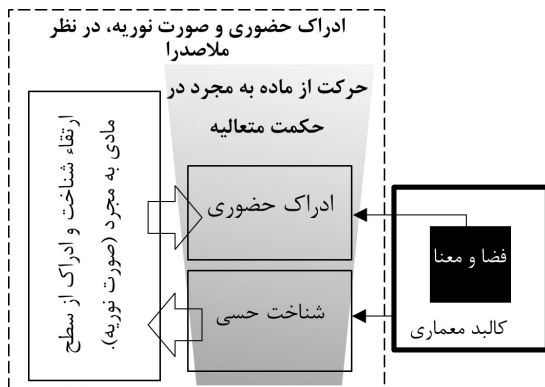
۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهشی این تحقیق، در دو بخش قابل عرضه است: بخش اول مربوط به جایگاه ماده در مراتب ادراکی، و هم‌چنین حرکت ادراک از سطح ماده به سطح معنا است. مؤمنی (۱۳۹۰) و مختاری (۱۳۹۹)، سیر ادراکی در حکمت متعالیه راه، ناشی از حرکت جوهری می‌داند، و معتقدست زمانی ادراک در مراتب بالاتر قرار می‌گیرد که، تأثیر ماده در ادراک افراد به حداقل‌ترین میزان خود برسد؛ در این صورت ناظر مطابق نظریه حرکت جوهری و مراتب ادراکی ملاصدرا، از صورت مادی برداشتی معنوی خواهد داشت. از طرفی عظیمی و افشار (۱۳۹۷)، به دلیل عجین بودن ماده با عدم، ضمن بیان انواع عدم از نظر ملاصدرا، ماده را به دلیل ویژگی‌های اعدامی ناتوان‌تر از این می‌داند که در ادراک حضور داشته باشد. حسینی شاهرودی و اسکندری (۱۳۹۶) نیز ساحت معنوی را عامل درک حقیقی در مباحث معرفتی می‌داند. اما بخش دوم مربوط به سیر و حرکت ادراک در مساجد صفوی از ماده به معنا است، که در این پژوهش علاوه بر مبانی نظری نقش مهمی در موردپژوهی داشته است. پرویزی و پورمنده (۱۳۹۱)، هم‌چنین مرادی نسب و دیگران (۱۳۹۷)، در مبانی نظری مقالاتشان، مکتب اصفهان در عصر صفویه راه، به عنوان عصر طلایی تفکر شیعی تعریف می‌کنند، که در آن اندیشه فلاسفه‌ای مانند ملاصدرا به بارنشسته است، و البته معماری مساجد این عصر را زمینه‌ای برای بروز این اندیشه‌ها در معماری صفوی می‌دانند. دری و دیگران (۱۳۹۷) نیز معتقدند درک معماری مستلزم دریافت معنا از فضا است؛ و ادراک به واسطه حس و ماده را غیر ممکن می‌داند. در نظر وی مساجد دارای نمادها و معانی متعددی در خود هستند که باید در مراتبی فراتر از ماده ادراک شوند. ظفرنویایی (۱۳۹۶)، با اشاره به ضعف معماری معاصر، این ضعف را حاصل جدایی عین و ذهن (یا همان ماده از معنا) می‌داند، و معتقد است که ماده در معماری اسلامی در حرکتی سه مرتبه (حس، تخیل و تعقل) در خدمت تجلی معنا است. البرزی و دیگران (۱۳۹۹) معتقدند که، معماران مساجد عصر صفوی هم‌راستا با

صدرا ادراک را حاصل جمع مُدرک و مُدرک می‌داند، و اصطلاح اتحاد عاقل و معقول برای آن به کار می‌برد (Raceszadeh 2004, 59)، اما از طرف دیگر، به تنهایی ماده را مانع ادراک می‌داند، چرا که ماده مبهم و آمیخته به عدم (Momeni 2011) است، در نتیجه ادراک به ماده تعلق نمی‌گیرد، مگر بالعرض (Mulla Sadra 1981/3, 256; 1981/6, 317-363; 183).

مطابق با مشرب فکری ملاصدرا و نظریه حرکت جوهری، برای درک حقیقت معنا از یک فضای معماری، ناظر باید سیری از ماده به معنا را تجربه کند (Mokhtari 2020). این نظر ملاصدرا امری مسبوق به سابقه است، تا جایی که ارسطو نیز معتقدست که، ادارک را در مرتبه حس و شناخت مادی ختم نمی‌شود (Aristotle 2010)، ادارک حقیقی را نیازمند درک باطنی می‌داند. بر این اساس، در درک باطنی معماری مساجد، احساس ایزاری برای ادارک فضا است و نه خود ادارک. فرد با حضور در فضای مسجد، با رویت کالبد مادی، در حرکتی جوهری به مدد قوای نفس از عالم ماده فاصله می‌گیرد و به عالم معنا وصل می‌شود؛ تا از عناصر کالبد مادی، درکی باطنی و معنایی برای خود (ادراک حضوری) فراهم سازد (Mokhtari 2020; Azizi and Ebrahimi 2018). این فرآیند ارتقاء ادارک در فضاهای معماری در نظر ملاصدرا، به صورت نوریه تعبیر می‌شود (Amini 2015) (شکل ۱).

شکل ۱: صورت نوریه، حاصل ادراکی مجرد از امری مادی، به واسطه حرکت جوهری



۴-۲- تأثیر اصل حرکت در ادارک ماده و کالبد مساجد صفوی

بناهای مذهبی در عصر صفوی عجین با تفکرات شیعی و متکی بر اندیشه فلاسفه آن عصر، پر از ابداعاتی است، که در آن ادارک، نه در سطح ماده، بلکه به مرتبه‌ای بالاتر از بعد مادی موقوف می‌شود، تا به معانی عمیق و مجرد ختم شود (Khatami 2011). یکی از مهم‌ترین ابداعات فلسفی مطرح‌شده در این عصر، نظریه حرکت جوهری ملاصدرا است.

اندیشه آن عصر به دنبال حرکت انسان به سمت معنویت، و کم‌رنگ کردن جنبه‌های مادی ادراک بوده‌اند؛ و تأکید دارند که نور یکی از مهم‌ترین عناصری در این مساجد است، که از بعد ظاهری و مادی فضا می‌کاهد.

۳. روش پژوهش

در مطالعات پیشین، جایگاه ماده در مراتب ادراکی ملاصدرا و همچنین جایگاه عناصر کالبدی در ادارک فضاهای معماری، مورد واکاوی قرار گرفته است؛ اما پژوهش منسجمی در باب جایگاه فلسفی ماده در ادارک فضاهای معماری صورت نگرفته است. با توجه به خلاء مطالعاتی در این حوزه، ضرورت بررسی جایگاه ماده در مراتب ادراکی فضاهای معماری، احساس می‌شود. تحقیق حاضر بین رشته‌ای، کیفی و مورد پژوهی است. در بخش مبانی نظری با بررسی جایگاه ماده در مباحث معرفتی ملاصدرا و ارتباطش با اصل حرکت، سه رکن در مراتب ادراکی در مساجد عصر صفوی تبیین شده است؛ سپس در تحلیل یافته‌ها در قالب مورد پژوهی، در مسجد شیخ لطف الله نوع ادارک (با توجه به مراتب ادراکی ملاصدرا) در هر رکن مورد بررسی قرار گرفته، تا بر اساس استدلال منطقی، جایگاه ماده و کالبد در ادارک مساجد عصر صفوی روشن شود.

۴. مبانی نظری

در شهر اسلامی حکومت صفویه، مسجد برجسته‌ترین نماد تفکر آن عصر در معماری است، لذا می‌بایست تجلی تمام‌نمای معانی اسلامی باشد (Etminan, Hosseini, and Panahi 2020). دریافت این معانی در معماری اسلامی، نه از طریق نقش و رنگ بر کالبد مادی بنا، بلکه به واسطه معنای مستتر در این طرح و نقش صورت می‌گیرد (Dorri and Talischi 2018)؛ لازمه این امر حرکت در جوهر ماده است، تا درکی معنوی از صورت مادی حاصل شود. در این پژوهش برای تشریح سیر استکمالی مراتب ادراکی ملاصدرا در مساجد عصر صفوی، ابتدا جایگاه ماده در اندیشه ملاصدرا مورد بررسی قرار گرفته است؛ سپس با تکیه بر نظریه حرکت جوهری، تأثیرگذاری عناصر کالبدی و مادی بر سیر ادراکی افراد در فضاهای مساجد عصر صفوی مورد واکاوی قرار گرفته است.

۴-۱- جایگاه ماده در مباحث ادراکی و معرفتی ملاصدرا

در نظر فیلسوفان پیش از ملاصدرا حقیقت ادراک، چیزی جز وحدت ماهوی میان ذهن و عین (ماده و معنا) نیست؛ اما در نظر صدرا این پایان سخن نیست (Mokhtari 2020)، وی به اتحاد میان ذهن و عین تأکید دارد، اما اعلی بودن ساحت ذهن نسبت به عین را، ضامن این اتحاد می‌داند (Hosaini Shahrudi and Eskandai 2017).

ج- ادراک عقلی در مراتب بالا: بناهای مذهبی، حامل معانی پنهان متعددی هستند، که امکان درک حقیقت این معانی در مراتب بالای ادراکی و به مدد قوه عقل، فراهم می‌شود. در این مرتبه ادراک خالی از هر گونه عوارض مادی، و آن‌چه وجود دارد درک معنوی است (Momeni 2011). در این شرایط ناظر در عالی‌ترین مرتبه ادراکی خود، با حضور در مسجد، و با عنایت به عناصری هم‌چون نور و فضا، در سیری صعودی با حقیقت فضا یکی می‌شود، تا به درک معانی باطنی و پنهانی (Dursun 2009) از فضاهای معماری نائل شود.

۴-۴- تبیین ارکان مساجد عصر صفوی با عنایت به جایگاه ماده در مراتب ادراکی

هم‌چنان که گفته شد، بر اساس مراتب ادراکی ملاصدرا، درک معنا در مساجد عصر صفوی، نه از طریق درک مادی، بلکه به واسطه ادراک در مراتب بالا، صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، در برخورد اولیه با فضای مساجد، درک عمیقی از فضا برای افراد ایجاد نمی‌شود (Masoudi 2003)؛ و ادراک در سطح مادیات و عینیات باقی می‌ماند؛ اما به مدد قوای خیال و عقل، ناظر با طی کردن ارکانی، می‌تواند به ادراک معنا دست پیدا کند. این ارکان در مساجد عصر صفوی، با عنایت بر هست و نیست ماده در مراتب ادراکی ملاصدرا، شامل سه رکن سکون، حرکت و وحدت است، که در زیر شرح آن رفته است.

الف- رکن سکون (در هست ماده): در حالی که فیلسوفان تجربه‌گرایی چون هیوم، ادراک را خلاصه در تجربه و حس می‌دانند، اما به عقیده ملاصدرا تأثیرگذاری ماده و حس بر روی ادراک ما، فقط بخشی از راه ادراک حسی است و نه تمام آن (Mulla Sadra 1981/3, 245; Amini 2015). در این رکن، فرد با حضور در مسجد فقط به ادراکات فرمی بسنده می‌کند، که صرفاً شامل لذت بصری از کالبد و تزئینات بر آن است. در این شرایط ادراک برای ناظر در سطح ادراک حسی متوقف شده و از درک معنا بی‌بهره است؛ در نتیجه، ناظر به نوعی دچار سکون در ادراک خویش است.

ب- رکن حرکت (در هست ماده): بر اساس آرای معرفتی ملاصدرا، عناصر مادی به واسطه امکان ذاتی بودنشان، در معرض زوال و نابودی هستند (Mulla Sadra 1996, 44)؛ به همین دلیل ملاصدرا این امکان ذاتی را به عدم نزدیک می‌داند (Mulla Sadra 1999, 166)؛ اما آن‌چه که از طریق ماده و کالبد معماری زمینه ادراک حضوری در رکن حرکت را به وجود می‌آورد که بتواند مجلای صفات جمالی در فضای مساجد عصر صفوی باشد، حرکت جوهری ماده و ادراک خیالی است. در این رکن مطابق با حرکت جوهری، ناظر در سیری صعودی از طریق تداعی معانی (Charkhchian 2019)، از ماده فاصله گرفته، و به درک معنایی نائل می‌شود.

فضا به عنوان جوهره اصلی مساجد عصر صفوی، در دل خود روح و معنایی پنهان (Dursun 2009) دارد که به وسیله کالبد تجلی می‌کند. درک معنا از فضاهای مساجد صفوی، مستلزم حرکت ناظر از بین عناصر کالبدی و مادی مسجد است. اصل حرکت به نوعی طی کردن مراتبی از فضا است (Tabassi and Fazelnasab 2012)؛ که هم راستا با حرکت جوهری ادراک ناظر را از سطحی مادی به سطح معنوی می‌رساند. بر این اساس فهم ماده و کالبد معماری به فهم فضاهای معماری محول می‌شود که در خود معنایی نهان دارد (Zafarnavaei 2017).

با توضیح مختصری که در مورد تأثیر اصل حرکت در ادراک داده شد، به این موضوع پی می‌برد که، حرکت از ماده به معنا، محملی مناسب برای ادراک معانی نهفته در مساجد عصر صفوی است. بر اساس آرای معرفتی ملاصدرا و مطابق با نظریه حرکت جوهری، این حرکت در مساجد عصر صفوی مراتبی از ادراک را ایجاد می‌کند، که در زیر شرح کاملی از آن رفته است.

۴-۳- مراتب ادراکی در مساجد عصر صفوی

ملاصدرا بر اساس حضور و عدم حضور ماده در فرآیند ادراک، و هم‌چنین نظریه حرکت جوهری، قائل به سه مرتبه ادراک عقلی، ادراک خیالی و ادراک حسی است (Nattaj 2014). با توجه به جایگاه ماده در سیر از ظاهر به باطن در مباحث معرفتی، و جایگاه کالبد مساجد (و طرح و نقش بر کالبد) در فرآیند ادراک، مراتب ادراکی در مساجد عصر صفوی به شرح زیر است:

الف- ادراک حسی در مراتب پایین: در این مرتبه از ادراک، متمرکز بر کثافات مادی (به واسطه ویژگی‌های اعدادی ماده) از حقیقت ادراک خالی است (Momeni 2011). بر این اساس ناظر در این مرتبه اسیر و سرگرم طرح و رنگ بر کالبد مادی مسجد، از درک معانی عمیق و مستتر در طرح و رنگ غافل خواهد ماند.

ب- ادراک خیالی در مراتب میانی: ادراک معنا در معماری اسلامی، به ویژه مساجد، مسئله‌ای اساسی است، که فراتر از ساحت حس و ماده قرار می‌گیرد. ادراک خیالی دارای جایگاه میانی در مراتب ادراکی است، و به همین دلیل واسطی بین عالم محسوسات و معقولات محسوب می‌شود (Mulla Sadra 1981/3, 362)؛ که ناظرین در فضاهای معماری با تکیه بر تصاویر ذهنی خودشان و تداعی معانی، به مدد قوه خیال، فراتر از درک حسی از عناصر کالبدی و تزئینی، به معانی دست پیدا می‌کند (Charkhchian 2019). ملاصدرا قائل به ارتقاء و تکامل نفس به مراتب عالی و معنوی است (Nattaj 2014). در حضور اولیه ناظر در مساجد عصر صفوی، فرد فاقد هر گونه دریافتی است ولی در سیری تدریجی به ادراک حسی و مادی دست می‌زند، و با توجه به میزان ظرفیت وجودیش، و به مدد قوه خیال از فضاهای مساجد، درک معانی می‌کند.

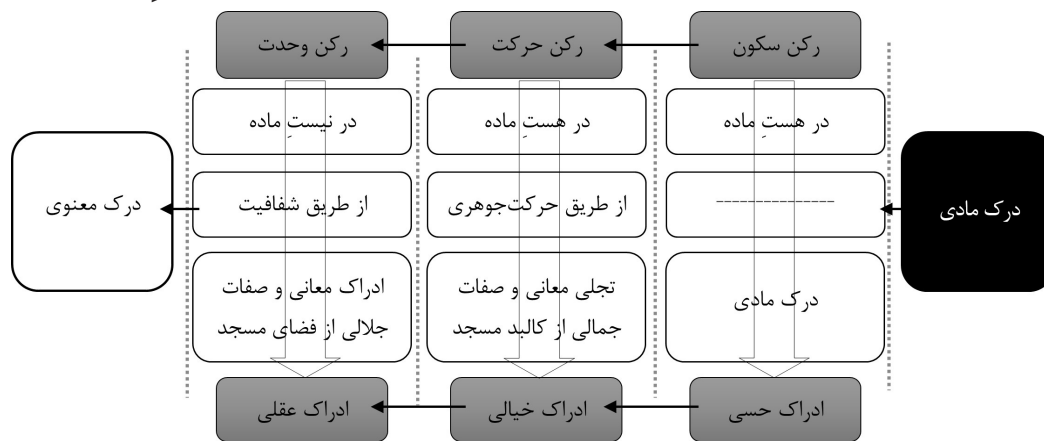
به آیه «اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ ۗ» نور در تجلی خود در معماری هم‌چون تمثیلی از وجود الهی و چون جوهری معنوی است که در شفافیت فضا، به درون غلظت ماده نفوذ می‌کند و آن را تبدیل به صورتی شریف و شایسته می‌سازد، تا مناسب نفس آدمی شود، نفسی که جوهرش در عین حال ریشه در عالم نور دارد. نقش تمثیلی نور شفاف کردن ماده و کاستن از صعوبت و سردی معماری است تا هم‌چون قلب، مأمن و پناهگاهی برای روح گرفتار آمده در قلب ماده باشد (Bolkhari 2005, 47).

بنابراین در رکن وحدت، شفافیت وسیله ادراک و فهم فضا است و نور وسیله جلوه‌گری شفافیت است. در مساجد عصر صفوی، عنصر نور عارض بر فضا نیست؛ بلکه حقیقت فضا را هویدا می‌کند. وظیفه‌ی نور فقط کارکردی و ساحت زیبایی در فضا نیست بلکه با عیان کردن ذات فانی ماده، ناظر را با جوهر فضا متحد می‌کند، تا با به‌کارگیری قوه عقل، وی را به تفکر واداشته، و درک صفات جلالی از فضا را برایش ممکن سازد.

ج- رکن وحدت (در نیست ماده): بر اساس دو رکن اول در مساجد عصر صفوی، با حضور و حرکت ناظر در فضا، مراتب متفاوتی از ادراک تجربه می‌شود. ادراکات در ابتدا مربوط به مرتبه حسی است؛ اگر این ادراکات حسی در پس خود مفاهیم مستتر داشته باشد، زمینه ادراکات در تراز معنایی فراهم می‌شود (Tajer 2010, 110). این معانی مستتر در فضای مسجد، عاملی برای وصل انسان به مراتب باطنی است. مطابق با مشرب فکری ملاصدرا، رکن وحدت در مساجد عصر صفوی، زمینه اتحاد عاقل و معقول را فراهم می‌سازد (Soleimani Sheijani, Khakpour, and Raees Samiee 2014)؛ که در آن ناظر فارغ از عالم مادی، با حقیقت فضا یکی شده، و به مدد قوه عقل به ادراک باطنی و معنوی دست پیدا می‌کند.

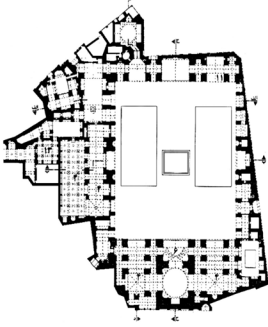
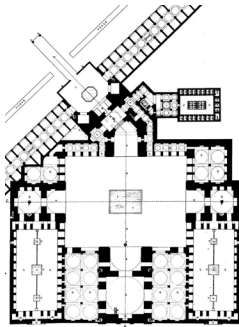
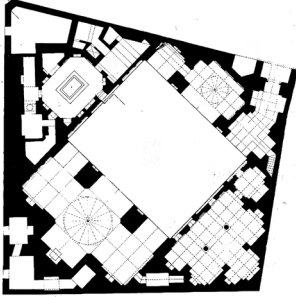
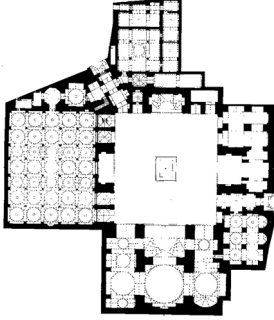
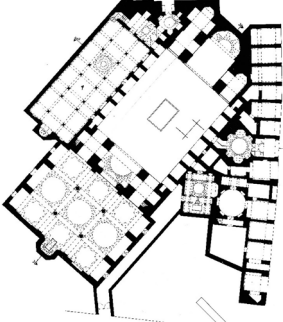
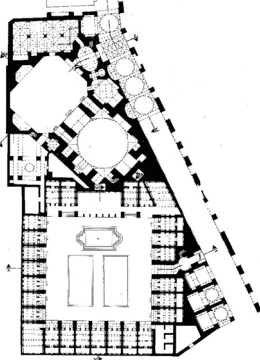
در رکن وحدت، آن‌چه که ظرفیت ادراک فضا را فراهم می‌کند، شفافیت است. اصل شفافیت به معنای حرکت و تکامل از کیفیت مادی به کیفیت روحی است (Noghrekar 2018, 417)، که در آن از کالبد و ماده بنا کاسته می‌شود، تا امکان حضور نور فراهم شود. با توجه

شکل ۲: جایگاه ارکان مساجد عصر صفوی در مراتب ادراکی، مبتنی بر هست و نیست ماده

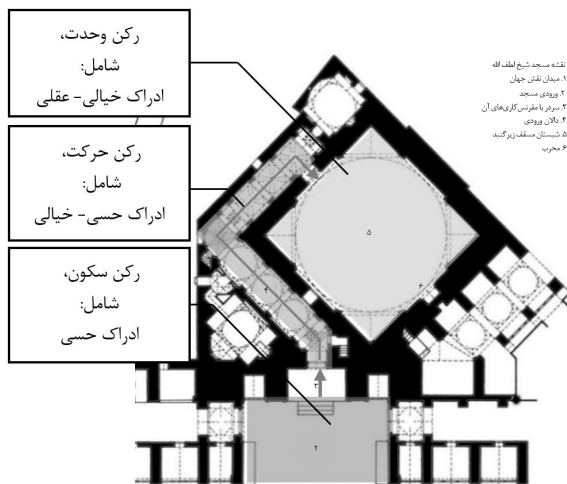


جدول ۱: ارکان سه‌گانه در مساجد عصر صفوی

پلان	مشخصات مسجد	پلان	مشخصات مسجد
	مسجد مصری موقعیت: (اصفهان - میدان قدس) شاه عباس دوم ۱۰۶۱-۱۱۱۶ هجری قمری		مسجد شیخ لطف الله موقعیت: (اصفهان - میدان نقش جهان) شاه عباس اول ۱۰۱۱-۱۰۲۵ هجری قمری

پلان	مشخصات مسجد	پلان	مشخصات مسجد
	مسجد حکیم موقعیت: (اصفهان - میدان قدس) شاه عباس دوم تا شاه سلیمان ۱۰۶۷-۱۰۷۳ هجری (قمری)		مسجد امام اصفهان موقعیت: (اصفهان - میدان نقش جهان) شاه عباس اول ۱۰۲۱-۱۰۴۰ هجری (قمری)
	مسجد شیخ علی خان زنگنه موقعیت: (اصفهان - خیابان ملک، محله شیخ یوسف، کوچه شیخ علی خان) شاه عباس دوم تا شاه سلیمان ۱۰۹۰ هجری قمری)		مسجد آقا نور موقعیت: (اصفهان - خیابان ابن سینا) شاه عباس اول تا شاه صفی ۱۰۳۹-۱۰۳۴ هجری (قمری)
	مسجد حاج محمد جعفر آباده موقعیت: (اصفهان - خیابان جمال الدین عبدالرزاق) شاه سلیمان قرن دوازدهم هجری (قمری)		مسجد ساروتقی موقعیت: (اصفهان - بازار اصفهان) شاه عباس دوم ۱۰۵۳ هجری قمری)

شکل ۳: مراتب ادراکی در مسجد شیخ لطف الله



۵. تحلیل یافته‌ها

در این بخش از پژوهش، با عنایت به جایگاه ماده در ارکان مختلف مساجد عصر صفوی، در جدول ۱، ارکان هشت مسجد در شهر اصفهان مشخص شده است، سپس در مطالعه موردی به صورت کامل تاثیرگذاری این ارکان در ادراک فضای مسجد شیخ لطف الله توضیح داده شده است.

۵-۱- بررسی مراتب ادراکی در مسجد شیخ لطف الله

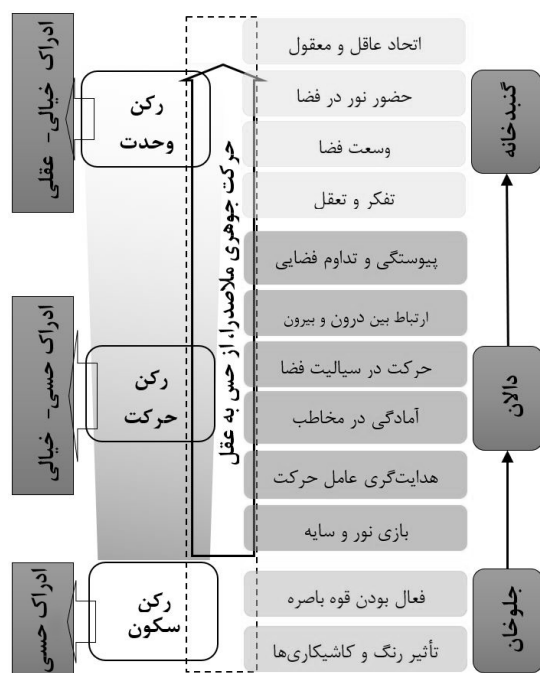
آنچه در نگاه اول با توجه به سه فضای اصلی مسجد شیخ لطف الله یعنی جلوخان، دالان و گنبدخانه، نظر محققین را به خود جلب نموده است، اعجاز فضایی و مراتب حرکتی در آن است. این حرکت به نوعی تداعی کننده گذر از دنیای مادی به معنوی است، که ناظر را با گذر از یک رتبه، از ادراکی به مرتبه بالاتر فرامی خواند (شکل ۳).

عالم معنا تعقل کند.

ادراک در رکن وحدت به واسطه شفافیت (در نیست ماده)، در ابتدا شامل ادراک خیالی است، اما با حضور قوه عقل و یکی شدن ناظر با فضا (اتحاد عاقل و معقول)، ادراک به سطح عقلی ارتقاء پیدا می‌کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت، ادراک در مسجد شیخ لطف الله، حاصل توالی فضاها در سه رکن سکون، حرکت و وحدت است، که در آن با عبور از فضاهای بیرون به درون رخ می‌دهد. ادراک زمانی تعالی پیدا می‌کند که ناظر، با پشت سر گذاشتن همه ارکان، به دریافت عمیق از ادراک باطنی دست یابد. مطابق با مراتب ادراکی ملاصدرا، ناظر در جلوخان و ورودی مسجد شیخ لطف الله، با رویت کاشی‌کاری‌ها و رنگ‌ها، شامل ادراکات حسی می‌شود؛ در رکن بعدی با حرکت در دالان جنبی گنبدخانه، با پشت سر گذاشتن ریتم قوس‌ها و کاشی‌کاری‌ها، به ادراکات حسی نائل می‌شود؛ اما با وجود بازی نور و سایه در این فضا، قوه خیال به آن اضافه می‌شود، تا زمینه ادراکات خیالی در مراتب بالاتر برای وی فراهم شود. اما اوج مراتب ادراکی در مسجد شیخ لطف الله، نهایتاً در فضای گنبدخانه، با اوج گرفتن قوه عقل است، که در آن ناظر از ماده فاصله می‌گیرد، تا روح وی غرق در معنا شود، در این مرتبه ادراک نه از نوع حسی است بلکه در ابتدا خیالی و در عالی‌ترین مرتبه خود شامل ادراک عقلی می‌شود (شکل ۴).

شکل ۴: مراتب ادراکی در مسجد شیخ لطف الله، مبتنی بر آرای ملاصدرا



جلوخان، نخستین فضا در مسجد شیخ لطف الله، و رکن سکون در ادراک محسوب می‌شود. این سکون در حقیقت مجالی است برای درک تزئینات فاخر ورودی مسجد. در جلوخان از آنجایی که ادراک به واسطه قوه باصره صورت می‌پذیرد؛ ادراکات ناظر شامل ادراکات حسی و مادی می‌شود، اما با وجود این تزئینات، سنگینی و صلابت عناصر مادی کاسته می‌شود، زمینه ادراک در مراتب بالاتر از طریق خیال را فراهم می‌سازد. در واقع صورت ظاهر رمزی می‌شود، جهت درک معنا.

پس از جلوخان و ورودی، دالان فضای بعدی است، که رکن حرکت در مسجد محسوب می‌شود. این رکن مطابق با اندیشه‌های شیعی آن عصر (ویژه حرکت جوهری ملاصدرا)، توجه به مفهوم حرکت در ادراک است. در این رکن مبتنی بر اصل حرکت، شاهد سه کیفیت فضایی خاص هستیم: نخست؛ پیوستگی و تداوم فضایی در نظام ورودی از طریق چرخش در محور حرکتی، به دلیل زاویه‌ای که بین سردر رو به میدان و محور مسجد که رو به قبله وجود دارد (Tabassi and Fazelnasab 2012).

این چرخش باعث ایجاد ارتباط بین فضای داخلی مسجد با میدان می‌شود (Goleštani, Hojat, and Saedvandi 2017)؛ به گونه‌ای که صحن مسجد چنان در شهر تنیده می‌شود که حرکت ناظر در فضاهای مسجد را، بدون وقفه خواهد کرد. دوم؛ حرکت غیرمستقیم در سیالیت فضا، که باعث افزایش طول مسیر حرکتی و در نتیجه گذر زمان بیش‌تر در فضای ورودی می‌شود، که بر آمادگی ذهنی مخاطب پیش از ورود می‌افزاید (Moradinasab, Bemanian, and Etesam 2018).

سوم؛ دالان ۲۸ متری است که در میانه خود، چرخشی ۹۰ درجه دارد. در گوشه همین چرخش از طریق پنجره‌های مشبک، نوری بر فضای دالان تابیده می‌شود که ناظر را، در ادامه حرکتش هدایت می‌کند (Alborzi et al. 2020). در واقع نور در دالان با سایه‌روشن‌های متعدد، سبب نوعی حرکت در فضا می‌شود. در این رکن در حضور ماده به واسطه حرکت و حضور نور، سیر از ماده به معنا در ادراک رخ می‌دهد، و ناظر را شامل ادراک خیالی می‌کند.

بعد از دالان، نوبت به گنبدخانه می‌رسد، که همان رکن وحدت در ادراک است. پس از حرکت در دالان طویل، نیمه‌تاریک و کوچک مسجد، مخاطب شایسته ورود به فضای وسیع و با شکوه گنبدخانه پیدا می‌کند، که در آن نور نقش اساسی را ایفا می‌کند. نور باعث حرکت ناظر به سمت محراب و حرکت به سوی نورالانوار می‌شود (Karimi and Mirza Ali 2017)؛ از این رو در شفافیت فضا، نور در معنای قدسی خود جلوه‌گر می‌شود و اشاره به آیه شریفه «الله نور السموات و الارض» دارد. حضور نور و شفافیت فضای زیر گنبد، مجالی می‌شود برای انسان که با فاصله گرفتن از عالم ماده، به مدد قوه عقل در احوالات

۶. نتیجه‌گیری

درک معانی باطنی در بناهای مذهبی، و ویژه در این پژوهش، مساجد عصر صفوی (به دلیل عقبه تفکر شیعی که در آن عصر جاری و ساری بوده است)، صرفاً به واسطه ماده و کالبد امری دست‌نیافتنی محسوب می‌شود. در نتیجه درک حقیقت فضا در مساجد نیازمند ارتقاء ادراک از سطح مادی به سطح معنوی است. ملاصدرا بر مبنای حرکت جوهری ماده، از هست به نیست ماده مراتب متفاوتی از ادراک را تعریف می‌کند، و بر این اعتقاد است که ادراک هر قدر به سمت مراتب نازل‌تر پیش رود، با کثافات مادی بیش‌تر عجین می‌شود، و هر قدر ادراک به سمت مراتب بالاتر رود، از جنس غیرمادی و باطنی خواهد بود. بر همین اساس، در این پژوهش برای جایگاه ماده در مراتب ادراکی مساجد صفوی، سه رکن تعریف شده است، که به شرح زیر است:

الف- ادراک حسی در رکن سکون: در پایین‌ترین مرتبه ادراکی معطوف به مقولات مادی است؛ که در آن ناظر سرگرم مقولاتی حسی، به رویت تزئینات بر کالبد مساجد می‌پردازد؛ که برای وی حاصلی جز طرح و نقش مادی ندارد. در این رکن هم‌راستا با مراتب ادراکی ملاصدرا، ادراک به فرع و بی‌راه رفته و ناظر از درک حقیقت معانی

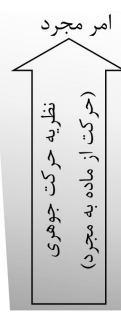
غافل می‌شود.

ب- ادراک خیالی در رکن حرکت: ادراک معنا در مساجد، در مرتبه‌ای عالی‌تر از ساحت حس و ماده قرار می‌گیرد. با وجود ماده در مراتب میانی، درک معنا از کالبد مساجد، مطابق با نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، به واسطه قوه خیال و تداعی معانی صورت می‌گیرد. از آن جایی که ماده در ذات الهی راه ندارد، صفات جمالی از طریق تجلی در کالبد معماری و تزئینات آن انعکاس پیدا می‌کند. هر فردی اگر در ادراک خویش عنایتی عمیقی به این کالبد و تزئینات در مسجد داشته باشد، در حرکتی صعودی از این پدیده مادی برداشتی مجرد می‌کند، که حاصل آن ادراک خیالی است. این حرکت مطابق با حرکت جوهری، محملی برای ادراک تدریجی معنا از کالبد مساجد و تزئینات بر آن است.

ج- ادراک عقلی در رکن وحدت: مساجد صفوی، شامل معانی متعددی هستند، که درک آن نه از طریق حس، بلکه به مدد قوه عقل است. در این رکن، شفافیت حاصل زدودن ماده است، تا امکان حضور نور در فضا فراهم شود. در این رکن ناظر فارغ از کالبد مادی، با حقیقت فضا یکی شده و در درکی عقلی، مدرک صفات جلالی خداوندی می‌شود.

شکل ۵: جایگاه ماده در ادراک در فضای معماری، مبتنی بر مراتب ادراکی ملاصدرا

جایگاه ماده در ادراک (در فلسفه)					جایگاه ماده در ادراک (در معماری)		
ایزار ادراک نوع ادراک					تأثیرات در معماری		
مراتب ادراکی					ادراک در معماری		
نیست ماده	مرتبه معنوی	مراتب بالا (ادراک عقلی)	درک حضور	شفافیت و تمثیل نور	ادراک معنا از فضای معماری (ادراک معنا از امر مجرد)	صفات جلالی	صورت نوربه
هست ماده	مرتبه صوری	مراتب میانی (ادراک خیالی)	درک حصولی	حرکت جوهری و تداعی معانی	ادراک معنا از کالبد معماری (ادراک معنا از امری مادی)	صفات جمالی	
		مراتب پایین (ادراک حسی)		درک حصولی	-----	برداشت ظاهری از کالبد معماری (اسیر در ادراک مادی)	



پی‌نوشت

1. C. W. Morris
2. U. Eco
3. R. Barthes

۴. سوره نور- آیه ۳۵

فهرست منابع

- Alborzi, Fariba, Navid Jahdi, Milad Fathi, and Amir Hossein Yousefi. 2020. Analysis of Semantic Light Effects in the Architecture of Isfahan during the Safavid Period; Case Study: Sheikh Lotfollah Mosque in Isfahan. *Journal of Islamic Architecture Research* 8(29):112-143. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1399-fa.html>
- Amini, Mahdi. 2015. Perception of Beauty in Viewpoint of Mullā Sadrā and its Explanation as Secondary Philosophical- Intelligible. *Journal of Kimiya-e-Honar* 4(15): 83-97. <http://kimiahonar.ir/article-1-409-fa.html>
- Aristotle. 2010. *About the soul*. translated by Alimurad Davoodi. Tehran: Hekmat.
- Azimi, Somayeh, and Azizollah Afsharkermani. 2018. The role and function of non-existence in the ontology of Molla Sadra's philosophies. *Journal of Metaphysics* 3(27): 19-30. 10.22108/mph.2018.111554.1110
- Azizi, Ramin, and Hasan Ebrahimi. 2018. The Relation of Soul to Its Powers from the Perspective of Mulla Sadra and Modares Zonouzi. *Journal of Philosophical Investigations* 12(32): 94-109. https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article_7777.html
- Barthes, Roland. 1982. *L Obvie et L obtus*. Paris.
- Bolkhari, Hassan. 2005. *Theosophical Principles of Light and Color in the Iranian-Islamic arts*. Tehran: Suresh Mehr Publications.
- Bourdieu, Pierre. 1997. *Distinction: A Social Critique of the Judgment of*. Translated by R. Nice. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Charkhchian, Maryam. 2019. Mental associations in understanding the characteristics of Islamic architecture. *Journal of Islamic Art Studies* 15(35): 70-98. http://www.sysislamicartjournal.ir/article_101020.html
- Dorri, Ali, and Qolam Reza Talischi. 2018. Finite and infinite spatial structure of Islamic architecture in the mosques of the Safavid era (Case study Sheikh Lotfollah Mosque and Imam Isfahan). *Journal of Islamic Art Studies* 6(2): 19-38. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1009-fa.html>
- Dursun, Pinar. 2009. Architects are Talking about Space. *7th International Space Syntax Symposium*. Stockholm: School of Architecture and the Built Environment.
- Eco, Umberto. 1968. *Function and sign: semiotics in architecture, in the city and the sign: An Introduction to Urban Semiotics*, Gottdiener, m. and Lagopoulos, A. New York: Columbia University press.
- Etminan, Leyla, Seyyed Behshid Hosseini, and Siamak Panahi. 2020. A Comparative Study of Illuminationism in the Architecture of Safavid and Contemporary Mosques. *Journal of Islamic Art Studies* 17(39): 28-56. 10.22034/ias.2020.211847.1113
- Goleštani, Saeid, Isa Hojat, and Mehdi Saedvandi. 2017. Survey on spatial integration and the process of evolution in the Iranian mosque. *Journal of Fine Arts (Honarhay-e-Ziba)* 22(4): 29-44. 10.22059/jfaup.2018.65695
- Hosaini Shahrudi, Sayyed Morteza, and Zahra Eskandari. 2017. A Comparative Study of Mulla Sadra and Husserl on Mind Agency in Perception Process. *Journal of Sadra's Wisdom* 6(1): 75-86. https://pms.journals.pnu.ac.ir/article_4327.html
- Karimi, Mohammad, and Mohammad Mirza Ali. 2017. The role and function of light in public spaces of traditional architecture in Iran. *Journal of Geographical New Studies* 4(9): 17-30.
- Khatami, Mahmoud. 2011. *Philosophical Introduction to Iranian Art*. Tehran: Matin Press.
- Masoudi, Mohammad Hussein. 2003. Compilation and perception of space rhythm (journey of multiplicity and unity through time). *Soffeh* 13(4). 61-73. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_99949.html
- Mokhtari, Mohammad Hossein. 2020. A Comparative Study on the views of Aristotle, Ibn Sina, and Mulla Sadra on the Function of Sensory Perception and its Epistemological Value. *Journal of Sadra's Wisdom* 8(2): 203-214. https://pms.journals.pnu.ac.ir/article_6413.html
- Momeni, Naser. 2011. Evaluation of Sadra and Ishraqi's approaches to seeing the process. *Javidan Khirad* 8(18): 57-83. http://www.javidankherad.ir/article_33697.html
- Morris, Charles W. 1971. *Writings on the General Theory, of Signs*. Mouton: Den Haag.
- Moradinasab, Hosein, Mohamadreza Bemanian, and Iraj Etesam. 2018. Imminence- Transcendence- Isfahan's school- Architecture body of mosque (Case Study: Imam Mosque). *Hoviatshahr* 12(2): 19-28. https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_12985.html
- Mulla Sadra. 1981. *Al-hekmah Al-moteaaliye fi Al-asfar Al-arbaa*. Vol. 1, 2, 3, 4, 6, 7, 8. Fourth edition. Qom: Talice Nour.
- Mulla Sadra. 1984. *Al-hashr Essay*. Translated by Mohammad Khajavi. Tehran: Mola.
- Mulla Sadra. 1996. *A collection of philosophical essays* by Sadr Al-Moteahelin. Revised by Mohammad Najj Isfahani. First edition. Tehran: Hekmat.
- Mulla Sadra. 1999. *Three philosophical essays*. Introduced, revised, and commented on by Seyyed Jalal Al-din Ashtiani. Qom: Qom Seminary Promotion Office.

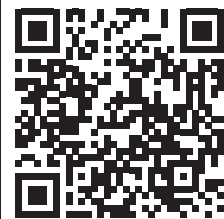
- Nattaj, Mohammad Ebrahim. 2014. The Role of Imagination in Formal Unveilings from Suhrawardi's and Mulla Sadra's Point of View. *Javidan Khirad* 11(26): 183-204. http://www.javidankherad.ir/article_33953.html
- Noghrekar, Abdolhamid. 2018. *Islamic wisdom in artistic and architectural processes*. Qazvin: Qazvin Jihad University Press.
- Parvizi, Elham, and Hassanali Pourmand. 2012. Manifested Spiritual Universe in Safavid Architecture Decorating, Case Study: Imam Mosque of Isfahan. *Journal of Armanshahr Architecture and Urban Development* 12(9): 31-44. http://www.armanshahrjournal.com/article_33206.html
- Raeeszadeh, Mahnaz. 2004. *Useless word: ten essays on aesthetics and architectural art*. Tehran: Mola Press.
- Soleimani Sheijani, Zeynab, Mojgan Khakpour, and Mohammad Mehdi Raees Samiee. 2014. A Review of the principles and objectives of contemporary architecture in Iran from Mulla Sadra's point of view. *Naqshejahan* 4(1): 57-64. <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-4659-fa.html>
- Tabassi, Mohsen, and Fahime Fazelnasab. 2012. Revisiting the Role of Thought Currents of the Safavid Era in the Shaping of the Facades of the Mosques Built Based on the Principles of Isfahan School of Architecture. *Journal of Fine Arts (Honarhay-e-Ziba)* 17(3): 81-90. https://jfaup.ut.ac.ir/article_30376.html
- Tajer, Ali. 2010. *The Being of Architecture*. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Zafarnavaei, Khosro. 2017. Investigating the mystical concept of "empty space" in Islamic-Iranian architecture. *Journal of Islamic Art Studies* 3(27): 57-74. http://www.sysislamicartjournal.ir/article_91806.html

نحوه ارجاع به این مقاله

بنی‌اسدی باغمیرانی، مهدی، سید بهشید حسینی، و آزاده شاهچراغی. ۱۴۰۱. تبیین جایگاه ماده در مراتب ادراکی فضاهای مساجد عصر صفویه، مبتنی بر آرای ملاصدرا، مطالعه موردی: مسجد شیخ لطف الله. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۵(۴۱): ۲۹-۳۸.

DOI: 10.22034/AAUD.2022.294923.2539

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_168901.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

